روزنامه شهروند

فرهنگی . اجتماعی . سیاسی . اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: **جمعیت هلال احمر**

مدیر مسئول: **عبدالرسول وصال**

سردبیر: **کسری نوری**

نشانی: تهران ، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:
اذان صبح ۰۵:۱۰:۰۰ | طلوع آفتاب ۰۶:۳۷:۱۸
اذان ظهر: ۱۳:۰۵:۳۲ | غروب آفتاب: ۱۹:۳۳:۴۶
اذان مغرب: ۱۹:۵۲:۱۵

صفحه آخر

این شرح بی‌نهایت...

شُکر، زیور توانگری است و شکیبایی، زیور گرفتاری. **امام علی (ع)**

گل رسوایی

داند آن کس که ز دیدار تو برخوردار است
کـه خرابات و حَـرَم غیر در و دیوار است
ای که در طور ز بی‌حوصلگی مدهوشـی
دیده بگشای که عالم همه‌گی دیدار است
همه پامال تو شـد خواه سَر و خواهی جان
وآنچه در دست من از توست همین پندار است
از تو ناقوس بدست من مست است که هست
وَز تو طرفی که ببسـتیم همین زنار است
برخور از باغچه حُسـن که نشکفته، هنوز
گل رسـوایی مـا از چمـن دیدار اسـت
بـاور از مـات نیایـد به لـب بـام در آی
تا ببینی که چه شور از تو در این بازار است
دو جهان بر سر دل باخت رضی منفعل است
کـه فزایند بـر آن بار گـر این بازار اسـت
رضی‌الدین آرتیمانی

تقویم تاریخ

برکناری ژنرال فاتح

۶۴سـال پیش، برابر با یازدهم آوریل ۱۹۵۱ میـلادی، در بحبوحـه جنـگ کـره، هـری ترومـن رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، داگلاس مـک آرتور، ژنرال ۵ سـتاره و فرمانده نیروهای این کشور در منطقـه اقیانـوس آرام ازجمله ژاپن و کره را از کار برکنار و ژنـرال ریجوی را به جای او منصوب کرد. مـک آرتور نزد آمریکایی‌ها بسیار محبوب بود زیرا او را فاتح ژاپن می‌دانستند. دلیل ترومن برای برکناری او، بی‌توجهی این ژنرال کهنه‌کار به دسـتورات رئیس‌جمهوری به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسـلح بود. از مک آرتور هنگام بازگشت به آمریکا، استقبال میلیونی به‌عمل آمد.

مرگ اَنوَر خوجه

۳۰سـال پیش، برابر بـا یازدهم آوریل ۱۹۸۵ میلادی، اَنوَر خوجه، سیاسـتمدار مشهور آلبانیایی در ۷۶سالگی درگذشت. خوجه از پایان جنـگ جهانی دوم تا زمان مرگش در سـال ۱۹۸۵ دبیـر اول حزب کارگـر آلبانی بـود. او همچنین از سـال ۱۹۴۴ تا سال ۱۹۵۴ به‌عنوان نخست‌وزیر آلبانی، وزیر دفاع، وزیر امورخارجه، رئیس پیش‌آهنگان دموکراسی آلبانی و همچنین کمیسـر عالی نیروهای مسـلح آلبانی از سـال ۱۹۴۴ تا زمان مرگ بود. خوجه به واسـطه اظهاراتش پیرامـون مخالفت با بازنگری در اصول مارکسیسم - لنینیسم از اواسـط دهـه ۱۹۷۰ مورد توجـه بود.

درگذشت عباس کاتوزیان

۷سـال پیـش، برابـر با بیسـت‌ودوم فروردیـن ۱۳۸۷ خورشـیدی، عبـاس کاتوزیان از نقاشـان بنـام و معاصر ایران، در تهران درگذشت. کاتوزیان تحصیلات خود را از هنرستان کمال‌الملک آغاز کرد و بعدهـا مدتی نیز به‌عنـوان نایب‌رئیس این دبیرستان فعالیت کرد. او از نسل دوم مکتب کمال‌الملک بود و بسیاری او را یکی از قوی‌ترین تصویرگران پرتره و فیگوراتیو در میان نقاشـان معاصر ایران می‌دانند. از آثار معروف عبـاس کاتوزیان می‌توان تابلوی «دختر زیبای کـرد» را نام برد که شاید تا کنون صدها تخته فرش از رویش کپی و بافته شده است.

این در

شهروَنگ

گمشده‌ها

یارب مباد که عربستان معتبر شود!!

شهرام شهیدی
طنزنویس
shahraam_shahidi@yahoo.com

این روزها هر جا بنشـینید مشـکلات ایجاد شده برای دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده و شـادی پس از گل مهدی طارمی پس از گل زدن به نماینده فوتبال عربستان و برگرداندن هواپیماهای ایرانی حامل حجاج از عربستان نقل محافل است. موضوع یمن هم که دگر نگویید و نپرسید. گفتیم بگردیم ببینیم دلیل این همه مشکل و عداوت عربستانی‌ها با ما چیست. همه تفالی می‌زنند به دیـوان حافظ. ما تفال زدیم به گلسـتان شیخ اجل سعدی شیرازی که شوخ طبعی و رندی‌اش شهره است. آمد: هرمز را گفتند وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی. گفـت: خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بی کرانست و بر عهد من اعتماد کلی ندارند. ترسـیدم از بیم گزند خویش آهنگ هلاک من کنند. پس قول حکما را به کار بستم که گفته‌اند:

از آن کز تو ترسد بترس ای حکیم
وگر با چنو صد برآیی به جنگ
نبینی که چون گربه عاجز شود
برآرد به چنگال چشم پلنگ
از آن مار بر پای راعی زند
که ترسد سرش را بکوبد به سنگ

این اسـت که این بندگان خدا وقتی دیدند توافق در راه اسـت و هاپولـی تمام و بسـاط خـود ژاندارم پنداری‌شان در منطقه بر باد رفته، ترس آمد سراغ‌شان و مثل هرمز گفتند دست پیش بگیریم که پس نیفتیم.

تفسـیر یک اسـتاد روابط بین‌الملـل در حوزه خاورمیانه: گدا را که رو می‌دهی... صاحبخانه می‌شود.

پیش‌بینی صاحب یک فست‌فود برای آل سعود: لقمه بزرگ گلو را پاره می‌کند

پرسـش بنیادین یک دامدار از دامدار سعودی: نکند از بی‌عرضگی سـگمان اسـت که شـغال توی کاهدان بچه می‌گذارد؟

پاسخ یک منتقد ادبی به یاوه‌بافی‌های مقامات عربستان: چون قافیه تنگ آید... شاعر به جفنگ آید

پیش‌بینی مجدد یک فعـال در حـوزه بورس: اخوی عربسـتانی، این سبو گر نشـکند... امروز فردا بشکند

نصیحت عبید زاکانی به همسـایه جنوبی: این حیلت روباه را به کار بگیر همسایه! «روباه را پرسیدند که در گریز از سگ چند حیلت دانی؟ گفت: از صد افزون است و نکوتر از همه آن که من و او یکدیگر را نبینیم!»

نظر شـادروان پرویز شـاپور در ایـن خصوص: «سگی که خوابیده پارس می‌کند، صاحبش را یک شبه ورشکست می‌کند.» بیچاره صاحبت‌ای دوست اعرابی

لسان الغیب حافظ شـیرازی در خصوص عرض اندام‌های تازه عربسـتان می‌فرمایـد: یا رب مباد آن که گدا معتبر شود

روایـت ملانصرالدیـن: ملانصرالدیـن به بالین مریضی رفت تا حال و احوالی از او بپرسـد. مریض در جواب ملا که از حالش پرسیده بود، گفت: تب شدیدی داشتم و گردنم نیز سخت به درد آمده است. ولی خدا را شـکر که تب دو روز است شکسته اما گردنم هنوز درد می‌کند. ملا فکری کـرد و گفت: غصه نخور، من دعا می‌کنم آن هـم تا دو روز دیگر بشـکند. به قول شـادروان عمران صلاحی حالا حکایت ماسـت. ما که ملانصرالدین هستیم. حکومت عربستان در این داستان کیست؟

گفتم عمران صلاحی دیدم روا نیسـت از او روایتی نیـاورم و مطلب امـروز را بـا اثـری از او جمع نکنم. خدابیامرز صلاحی نوشـته بود: یک مار عظیم‌الجثه هنگام بلعیدن یک تمساح ترکید.

نتیجه اخلاقی: ۱- آدم باید به اندازه دهانش لقمه بردارد. ۲- آدم باید سـایز خود را بدانـد ۳- آدم نباید گز نکرده، پاره کند.

داستانه

دزدی ایمان

در روزگاری نـه چنـدان دور کاروانـی از تجـار به همراه مال‌التجاره فراوان به قصد تجارت راهی دیاری دوردست شد. در میانه راه حرامیان به قصد غارت اموال بـه کاروان یورش بردند. طولی نکشـید که حرامیان هرچه بـود گرد آوردنـد و از مسـکوکات و جواهرات هر چه ارزشـمند بود به زور سـتاندند. در بین اموال مسروقه، یکی از حرامیان کیسه‌ای پر از سکه‌های زر یافت که داخل آن روی تکه‌ای کاغذ آیه‌ای از قرآن در مضمون دفع بلا نوشته شده بود. حرامی کیسه را به نزد سر دسـته دزدان برد و تمسخرکنان اشـارتی نیز به دعـای دفع بلا کرد. به اشـاره رئیـس دزدان صاحب کیسه را احضار کردند. طولی نکشید تاجری فلک‌زده و تَرسـان به پای سردسـته حرامیان افتاد و اقرار کرد کیسه مورد نظر از آن اوست و لعن و نفرین بسیار نثار زنِ خویـش کرد که من گول همسـرم را خوردم زیرا معتقد بود دعای دفع بلا واقعا کارگر خواهد افتاد. رئیس حرامیان پس از اندکی تفکر دستور داد کیسه زر را به صاحبش برگردانند. یکی از حرامیان برآشفت که این چه تدبیری است و مگر ما قُطاع‌الطریق نیستیم و چه و چه که رئیس دزدان چنین پاسـخ داد: «بله درست است، ما دزد مال مردم هستیم اما هرگز قرار نبود که دزد ایمان آنان نیز باشیم.»

فوکوس ...

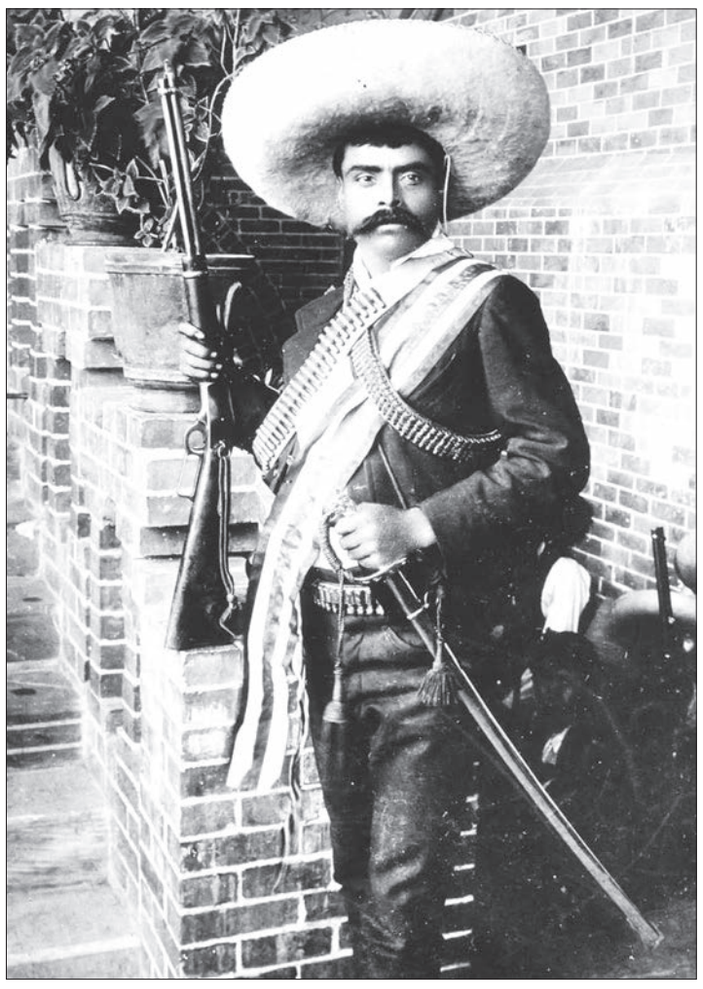

۹۶ سـال پیش، برابر بـا یازدهم آوریـل ۱۹۱۹ میلادی، امیلیانـو زاپاتا، از رهبران برجسـته انقلاب مکزیـک (علیه رژیم دیکتاتوری پورفیریو دیاس)، در سن ۳۹ سالگی توسط نیروهای دولتی به قتل رسید. زاپاتا تشکیل دهنده و فرمانده یک نیروی مهم شـبه‌نظامی بود که در طول انقلاب مکزیک با نام «ارتش آزادی بخش جنوب» شناخته می‌شـد و به دلیل نقش موثری که در جریان انقلاب داشـت به یکی از قهرمانان ملی مکزیک بدل شـد. زاپاتا و نیروهایش در جنگ و گریز و اجرای عملیات‌های چریکی تبحر خاصی داشتند و بارها و بارها موفق به فرار از محاصره نیروهای دولتی شده بودند. عجز ارتش در مهار زاپاتا تا بدان جا رسید که برای نابودی او دست به طراحی نقشه‌ای عجیب زدند. بر این اساس سرهنگ «خسوس گواخاردو» و نیروهایش به دروغ عَلَم مخالفت با حکومت مرکزی برافراشـتند و برای باورپذیرتر شدن نقشه خود، با حمله به یکی از پاسـگاه‌های ارتش حدود ۵۷ نفر از نیروهای فدرال را به قتل رسـاندند. گواخاردو با این حیله اطمینان انقلابیون را به خود جلب کرد و سـرانجام زاپاتا را که برای مذاکره با او در خصوص آینده انقلاب عازم قلعه چیناماکا شده بود، به قتل رساند.

کارتون شهر

احمد عربانی | کارتونیست | ahmadarabani@yahoo.com

حرف روز

زخم‌های رنگین کمانی شین آباد!

محمدرضا نیک‌نژاد
آموزگار

در میـدان بهارسـتان دختر کان قـد و نیم قد با تن‌پوش‌هایـی رنگارنگ، بـر ورودی خیابان صفی علی‌شـاه ایستاده و هر یک دسـت به دست مردی سپرده بودند. خوش‌رنگی تن‌پوش‌هایشان نگاهم را خیره کرد. کمی که نزدیک‌تر شدم، دیدم رهگذران بیش از انـدازه معمول به آنها چشـم می‌دوزند. به دختران که رسـیدم پتکی سخت سرم را به گیجی کشاند. ای وای دختران شـین‌آبادی!؟ از کنارشان گذشتم و آن سوتر ایسـتادم. دو دل بودم که پیش بروم یا نه! به سـوی خیابان صفی‌علی شـاه به راه افتادند و من نیز با چند گام فاصله. به دودلی‌ام چیره شـدم و از یکی از آنها پرسیدم «شـما شین‌آبادی هسـتید؟» گفت آری. آمیخته‌ای از اندوه و هیجان تنم را لرزاند. چرا که درباره آتش‌سوزی دبستانشان نوشته و بارها در گفت‌وگوهایم از آنها سخن رفته بود. باورم نمی‌شد که چنین ناگهانی با آنها برخورده باشم. چهره‌های چروکیده و انگشتان به هم چسبیده! خبر از ۳سـال درد و سوزشـی می‌داد که سال‌های سال دختر کان شـین‌آبادی را در چنبره خویش خواهد آزرد. در میانه گفت‌وگو با مرد جوان، «عسرین» دست در دسـت برادر گوش می‌داد. چشـمان سیاهش، معصومانه لبانم را دنبال می‌کرد. شاید در پی اشاره‌ای برای یاری یا راهی برای پشتیبانی و یا... نمی‌دانم! هر چه بود کنجکاوانه بود و نافذ. اکنون آنها در پایه ششم هسـتند اما آمد و شـد به تهران برای جراحی‌های پیاپی، افزون بر خسـتگی، فرصتی بـرای درس و مشق برایشـان باقی نمی‌گذارد. البته اگر انگیزه‌ای باقی مانده باشد! زیرا همین درس و مشق و مدرسه در آذرمـاه ۹۱ در پی کمبود امکانات گرمایشـی، ۲۹ دانش‌آموز پایه چهارم را دچار سـوختگی کرد. ۲ تن جان باخته و نزدیک به ۱۰ تن چنان سوختند که نیازمند جراحی‌های پی در پی. عسرین ۱۲ ساله بیش از ۲۰! عمـل جراحی را تـاب آورده بود و این برای دختر کی ریزنقش و کم سـن وسـال بسیار دشوار اسـت. دختر کان خرامان و پُرسان به سوی سـازمان برنامه و بودجه پیش می‌رفتند و من نیز در کنار عسرین و برادرش به دنبالشان. از وزارتخانه آموزش و پرورش می‌آمدنـد و دلگیر از این که پس از ۲ سـاعت انتظار نتوانسـته بودند وزیر را ببینند. گرچه همان روز از نهاد ریاسـت جمهوری، زمانی برای دیدار با رئیس‌جمهـوری و یا معاونش گرفته بودند. آموزش و پرورش همه هزینه‌های جراحی‌ها را پذیرفته و همچنان بر سـر پیمان است. اما دیه‌ها در پیـچ و خم قانون گیر افتـاده و برخی خانواده‌ها کمتر از مقدار تعیین شده را دریافت کرده‌اند و البته هیچ‌کدام راضی نیسـتند. تاکنون از مستمری هم خبری نیسـت. از مرد جوان خواهش کردم شماره همراهش را داشـته باشـم. دخترک سیاه چشم با زبان شـیرین کردی از برادر خواست که شماره مرا بگیرد. در لابه‌لای گفت‌وگو پرسـیدم دبستان چه سرنوشـتی پیدا کرد؟ گفت دبسـتان همچنان پا بر جا، بخاری‌های نفتی همچنان برپا، گاز شـهری در آسـتانه در مدرسـه پا در هوا و دانش‌آموزان در برابر آتش‌سـوزی بی‌پناه! درحالی که از دختر کان شـین‌آبادی دور می‌شـدم رنگین‌کمان جنبانی را دیدم که گرچه زیبا می‌نمود اما دردی در آن نهفته بود که هیچ‌کس جز خودشان آن را حس نمی‌کند! سهراب می‌گفت «گاه زخمی که به پا داشته‌ام زیر و بم‌های زمین را به من آموخته است» اما گویا زخم دردناک شین‌آباد نتوانسته چیزی را بیاموزاند! زیرا هنوز هم ده‌هاهزار دانش‌آموز در خطر بخاری‌های نفتی و کمبود امکانات آموزشی‌اند.

آب و هوا

اراک ۲۸ / ۵	اردبیل ۱۰ / ۳	ارومیه ۱۹ / ۳	اصفهان ۲۰ / ۷	اهواز ۳۸ / ۱۷	ایلام ۲۲ / ۵	بجنورد ۲۱ / ۷	بندرعباس ۳۳ / ۲۳
بوشهر ۲۹ / ۲۰	بیرجند ۲۲ / ۹	تبریز ۱۹ / ۲	تهران ۲۷ / ۱۳	خرم‌آباد ۱۹ / ۴	زاهدان ۲۲ / ۱۱	زنجان ۱۶ / ۵	سنندج ۱۶ / ۷
شهرکرد ۱۴ / ۶	قزوین ۲۱ / ۴	کرمانشاه ۱۹ / ۵	کرمان ۲۲ / ۶	گرگان ۲۴ / ۷	رشت ۱۴ / ۹	ساری ۱۸ / ۹	کرج ۲۱ / ۱۰
شیراز ۲۵ / ۸	سمنان ۲۳ / ۱۲	همدان ۱۸ / ۲	قم ۲۵ / ۱۰	مشهد ۲۲ / ۹	یاسوج ۱۹ / ۴	یزد ۲۶ / ۱۴	ابوموسی ۳۰ / ۲۱

... آغاز بارش باران

بر اسـاس تحلیل آخرین داده‌های هواشناسی، امروز با ورود یک سـامانه بارشـی به کشـور، در استان‌های آذربایجان شـرقی، آذربایجان غربی، اردبیـل، زنجـان، گیلان، کردسـتان، شـمال کرمانشـاه، ایلام، لرستان، شـمال خوزستان و از بعد از ظهر برای ارتفاعات استان‌های البرز تهران و قزویـن آب گرفتگی معابر عمومی و سـیلابی شـدن رودخانه‌ها و مسیل‌ها پیش‌بینی می‌شود. در اسـتان‌های خوزسـتان و ایلام نیـز در برخی سـاعات وزش باد شـدید همراه با گرد و خاک را خواهیم داشـت. این سـامانه همچنین در نیمه غربی کشور تقویت شـده و به تدریج بارش‌ها به دامنه‌های جنوبی البرز، نواحـی مرکزی و اواخر وقت امروز به شمال شرق کشور کشیده می‌شود. از امروز با نفوذ جریان‌های شمالی، ضمن کاهش محسوس دما در سواحل شمالی کشور، بارش در سوال دریای خزر تشدید خواهد شد. در روزهای شنبه و یکشـنبه دریای خزر مواج خواهد بود. از اواخر امـروز موقتا بارش در شـمال غرب کاهش یافته و از بعد از ظهر یکشنبه مجددا بارش در این ناحیه آغاز می‌شـود. در این روز بارش در مناطق شمال غرب، غرب، جنوب غرب، مرکز، دامنه‌های جنوبی البرز و شـمال شـرق کشـور و سـواحل دریای خزر ادامه خواهد داشت. آسمان پایتخت امروز نیمه ابـری تا ابری همراه بـا رگبار و رعد و بـرق و وزش باد با دمای حداقـل و حداکثر ۱۳ و ۲۷ درجه سـانتی گـراد بالای صفـر پیش‌بینی می‌شود. در شبانه‌روز گذشـته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشـینه دمای ۳۸ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و اردبیل مرکز اسـتان اردبیل با کمینه دمای ۳ درجه سـانتیگراد سـردترین شهرهای کشـور بوده‌اند. طـی روزهای گذشـته اردبیل و چهارمحال و بختیاری، سـردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.